

آیین دانشجویان ۱۳۲۳-۱۳۲۴

نخستین نشریه دانشجویی دانشگاه تهران

به کرامت و پیشگفتار
محمد نوکلی طائی



۱۳۹۵

سرشناسه	: توکلی طرقي، محمد، ۱۳۳۶-
عنوان و نام پديدآور	: آيين دانشجويان ۱۳۲۳-۱۳۲۴: نخستين نشريه دانشجويي دانشگاه تهران به مديريت رحيم متقي ايرواني و عباس اردوباري / به کوشش و با پيشگفتار محمد توکلی طرقي
مشخصات نشر	: تهران: پردیس دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهري	: ۳۲۰ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
فروست	: کتاب ایران نامه؛ ۲.
شابک	: 978-600-300-126-8
وضعيت فهرست نویسی	: فیا.
موضوع	: آيين دانشجويان (مجله).
موضوع	: مجله ها و روزنامه هاي دانشجويي - ايران - تهران.
موضوع	: مقاله هاي فارسي - قرن ۱۴.
رده بدی کنگره	: ۱۳۹۵ ۲۲۹ ف / AP۹۵
رده بندی دیوب	: ۰۵۹
شماره کتابشناسی	: ۴۱۶۰۵۳



آیین دانشجویان ۱۳۲۳-۱۳۲۴: نخستین نشریه دانشجویی دانشگاه تهران به کوشش و با پیشگفتار محمد توکلی طرقي

نشر اول، ۱۳۹۵، تهران

استاران: محمد توکلی طرقي و همایون کاتوزیان

دبیر اجرایی: محمد جمالی

ویراست یار: وحید طلوعی

برگردان: پریسا یزدانجو

طرح جلد: محمد عباسی

شماره: ۱۱۰

لیتوگرافی: غزال

چاپ و جافی: مزال

قیمت: ۰۰۰۰ تومان

تهران: خیابان ظهیرالاسلام، انتهای کوچه نورپور، کوچه ساح، پلاک ۱۰

تلفن: ۳۶۶۱۷۳۳۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰-۱۲۶-۸

کلیه حقوق این اثر و باز نشر قسمتی یا تمامی آن به هر صورت
اعم از تصویربرداری یا حروفچینی مجدد، مطابق قانون حمایت
از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مشمول پیگیری قانونی است.

آئین دانشجویان، بهمن ۱۳۲۳-تیر ۱۳۲۴

فهرست

۱. پیشگفتار: آئین دانشجویان و دانشگاه تهران ۷
 ۲. آئین دانشجویان، شماره ۱، بهمن ۱۳۲۳ ۵۱
 ۳. آئین دانشجویان، شماره ۲، اسفند ۱۳۲۳ ۸۷
 ۴. آئین دانشجویان، شماره ۳، فروردین ۱۳۲۴ ۱۲۳
 ۵. آئین دانشجویان، شماره ۴، تیر-مرداد ۱۳۲۴ ۲۰۵
 ۶. پیوست‌ها ۲۷۹
- الف. "تاریخ تشکیلات دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی"
- محمدتقی مقتدری ۲۸۱
- ب. "حقوق جزای انگلیس"
- محمدرحیم متقی ایروانی ۲۹۷
- ج. "علت انتخاب این موضوع"
- ۳۱۰
- د. "دانشنامه آقای محمدرحیم متقی ایروانی"
- ۳۱۱
- ه. "تعهدنامه و اگذاری اطاق باشگاه دانشگاه"
- ۳۱۳
- و. شورای محترم دانشگاه تهران!
- ۳۱۴

مجله آئین دانشجویان

در تاریخ ۴۵ ساله مدرسه عالی سیاسی و دانشکده حقوق مجله‌ای که آئینه افکار دانشجویان دانشگاه باشد و از مطالب و دیدگاه‌های دانشجویان اداره شود وجود نداشت. برای ایجاد مبنای زندگانی اجتماعی بین دانشجویان و برای آشنایی دانشجویان با مطالب اجتماعی وجود مجله‌ای لازم بنظر می‌رسید.

از اینرو مجله‌ای بنام «آئین دانشجویان» در اول بهمن ماه ۱۳۲۳ منتشر شد و شماره اول و دوم و سوم آنهم تاکنون منتشر شده است. این مجله آئینه افکار دانشجویان دانشکده است. اداره کنندگان این مجله عبارتند از: آقایان عباس اردبیلی و رحیم متقی ابروانی دانشجویان دانشکده حقوق تهران.

آئین دانشجویان و دانشگاه تهران^۱

الف. سازندگی

محمد رحیم متقی ایروانی (۱۳۰۱-۸۴ ش) ۱۹۲۲-۲۰۰۶ م) پیش از آنکه به بنیادگذاری کفش ملی همت گمارد، همواره با عباس اردوبادی آئین دانشجویان، نخستین نشریه دانشجویی دانشگاه تهران، را بنیان گذاشت. ایروانی و اردوبادی هر دو کمتر از ۳۰ سال داشتند و از شرایط لازم برای کسب اجازه رسمی برای انتشار نشریه برخوردار نبودند، اما با یاری دایی اردوبادی، محمدتقی مقتدیری که صاحب امتیاز روزنامه آئین بود، آئین دانشجویان به عنوان «میمه دانشجویی» آئین منتشر شد.^۲ ایروانی و اردوبادی در ۴ شماره از آئین دانشجویان (بهمن ۱۳۲۳-تیر ۱۳۲۴ ش) کوشیدند همزمان با طرح مشکلات روز دانشجویان،

شماره‌های ۱-۳ آئین دانشجویان را آقای ناصر حسن‌زاده و شماره ۴ را خانم زینت ایروانی، همسر شادروان محمد رحیم متقی ایروانی، در اختیارم گذاشتند. از پشتیبانی این دوستان فرهنگ‌ورز و دانش‌پرور سپاس‌گزارم.
 محمد توکلی طرقي، "محمد رحیم متقی ایروانی و گروه صنعتی ملی"، ایران‌نامه، سال ۳۰، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۴)، ۱۱۸-۱۶۰.

محمدتقی مقتدیری از فارغ‌التحصیلان دانشکده حقوق بود. ایشان در سال ۱۳۱۳-۱۳۱۴ مسئولیت انتشار سالنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی را بر عهده داشت. مقتدیری "تاریخ تشکیلات دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی" را نوشت که در آغاز آن سالنامه منتشر شد. این مقاله در بخش پیوست‌ها، صفحه ۲۸۱ آمده است.

دانشجوی سال سوم اقتصادی-
حسابدار مجله، آقای محمد
بهادری و متصدی دفتر مجله
آقای محمود نسوا درانی
دانشجویان سال دوم دانشکده
حقوق میباشند.



آقای مقتدری
صاحب امتیاز مجله

(ج) اداره کنندگان
مجله آئین دانشجویان
اداره کنندگان این مجله
عبارتند از آقایان: رحیم متقی
ایروانی دانشجوی سال سوم
قضائی و عباس اردو بادی



آقای متقی ایروانی



آقای اردو بادی

برگرفته از سالنامه دانشکده حقوق، علوم سیاسی و اقتصادی،
سال تحصیلی ۱۳۲۳-۱۳۲۴؛ مجموعه دکتر فریدون مقتدری.

با روشی خرده گیر، آزادمنش و قدرشناس دانشگاه تهران را که نهادی نوپید و نیمه ساخته بود به حریمی برای آشنایی، گفت و گو و تمرش نگرش های متفاوت تبدیل سازند. هر دو دانشجوی دانشکده حقوق بودند و از دانشکده را "مرکز افکار و عقاید گوناگون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی" می دانستند. آنها با نشر "نشریه دانشکده حقوق برای دانشجویان دانشگاه" امیدوار بودند که این نوع فکری را برای "بالا بردن سطح فکر دانشجویان و آشنا ساختنشان به مسایل اجتماعی" به کار گیرند.^۵ ایروانی و اردوبادی برخلاف نگرش های حزبی و مسلکی دهه ۱۳۲۰ ش، که جویای حقایق و واقعیت هایی سیاسی و اجتماعی یگانه بودند، خواهان طرح

^۴ در نخستین شماره، عنوان کامل نشریه به این قرار بود: آئین دانشجویان: نشریه دانشکده حقوق برای دانشجویان دانشگاه. عنوان این "نامه ماهانه" در شماره های بعد چنین درج شده بود: آئین دانشجویان: آئینه افکار دانشجویان دانشگاه.

^۵ "هدف ما"، آئین دانشجویان، شماره ۱ (بهمن ۱۳۲۳)، ۱-۲؛ نقل قول ها به ترتیب از ۱ و ۲.



از راست به چپ: عباس اردوبادی (۱) و رحیم ایروانی (۲) در کنار جمعی از دوستان دانشگاه تهران از جمله دکتر مهدی مسیح (۳) سال ۱۳۲۳ یا ۱۳۲۴، تهران. عکس از آلبوم خانوادگی رحیم ایروانی. به روایت آنتین دانشیار، "دکتر مهدی مسیح در سال ۱۲۹۷ در شیراز متولد شده، تحصیلات خود را در دبیرستان پیروز و دانشکده پزشکی تهران به پایان رسانیده ..."



مراسم سیزده بدر سال ۱۳۲۴، عباس اردوبادی (۱) و رحیم ایروانی (۲)، آلبوم خانوادگی رحیم ایروانی.

مسائلی بودند که "دو طرف و دو جنبه دارد" و "حس انتقاد را در این طبقه روشنفکر" پیش برند. ایروانی و اردوبادی با این شناخت که "دانشجویان دانشگاه متأسفانه یکدیگر را نمی‌شناسند" و "بین استادان و دانشجویان نیز سدی عظیم که عبارت از ناشناسی باشد" کشیده شده است، امیدوار بودند که با نشر آئین دانشجویان، "بین دانشجویان از یک طرف و استادان از طرف دیگر" اتحادی پابرجا استوار سازند: "... هدف ما این است که به وسیله انتشار نشریه مرتبی، وسایلی را برانگیزیم که آشنایی میان دانشجویان تأمین گردد و دانشکده‌های کشور با یکدیگر و با دانشگاه‌های خارجه ارتباط علمی و ادبی حاصل نمایند." اگر چه روبرو با آئین دانشجویان این هدف را "بسیار دور و بزرگ" و آئین دانشجویان را وسیله‌ای "نهایت کوچک و بی‌مقدار" برای پیشبرد آن دانستند، این کوشش بدیع بخش سازندگی از فعالیت‌های دانشجویان در آستانه دومین دهه پیدایش دانشگاه تهران بود که با فارغ‌التحصیلی آنها در ۱۳۲۴ش/۱۹۴۵م به پایان رسید. در این پیشگامی با رسی محتوای آئین دانشجویان، از بهترین گاهنامه‌های دانشجویی پیش از انقلاب اسلامی، به شناسایی این نشریه دانشجویی و بازشناسی دانشگاه تهران در زمانه‌ای بحرانی پرداختیم که ایران در اشغال نیروهای متفقین جنگ جهانی دوم بود.

ایروانی و اردوبادی هر دو شیرازی بودند و دانشگاه تهران برایشان همانند "خانه بزرگ" بود. همان‌گونه که در شماره نخست آئین دانشجویان ذکر شده بود، ایروانی "در سنه ۱۲۹۹ش در شهر شیراز متولد شد، تحصیلات ابتدایی را در دبستان باقریه شیراز و متوسطه را در کالج صفایی و شاهپور شیراز گذرانیده، اینک در سال سوم قضایی دانشکده حقوق است. در سال ۱۳۱۸ کتاب گفت‌وگوی انگلیسی و در سال ۱۳۲۲ کتاب گفتگوی فارسی، انگلیسی را تالیف کرده" بود. عباس اردوبادی نیز به همان روایت، "در سال ۱۲۹۲ در شهر شیراز متولد شده و در دبستان نمازی و دبیرستان شاهپور و البرز تهران به تحصیل پرداخته" و در هنگام تأسیس آئین دانشجویان دانشجوی سال سوم رشته اقتصادی دانشکده حقوق بود. ایروانی سه سال در شبانه‌روزی کالج اصفهان تحصیل کرده بود و اردوبادی نیز یک سال را در شبانه‌روزی کالج البرز

در تهران گذرانده بود.^۷ تجربه زندگی در این مدارس شبانه‌روزی، ایروانی و اردوبادی را به کاستی‌های آموزشی و رفاهی دانشگاه تهران حساس ساخت. گزارش این کاستی‌ها از ارزنده‌ترین بخش‌های آئین دانشجویان بود.

آئین دانشجویان، در کنار "خرده‌گیری" از اولیای دانشگاه به سبب مشکلات آموزشی و بهزیستی، به نشر نوشته‌های بدیع دانشجویان و استادان و بزرگداشت کسانی چون دکتر ساموئل جردن، رئیس کالج آمریکایی تهران (Samuel M. Jordan, 1871-1952)^۸؛ جبار باغچه‌بان (۱۲۶۴-۱۳۴۵ش)، بنیادگذار کودکستان باغچه اطفال و مدرسه کرها و لال‌ها؛ خانم هاجر تربیت (۱۲۸۵-۱۳۵۲ش)، مدیر دبیرستان تربخش تهران و مؤسس کانون بانوان ایران؛^۹ و جلال‌الدین همائی، مدرس ادبیات دانشگاه، حقوق، پرداخت و ویراستاران نشریه با اعتماد به نفسی بی‌نظیر درباره مشکلات دانشگاه با رئیس دانشکده حقوق، دکتر کریم سنجابی (۱۲۸۳-۱۳۷۵ش)؛ معاون رئیس دانشکده پزشکی، دکتر وکیلی، مصاحبه کردند و مسایل مبرم کشور را با دکتر محمد مصدق (۱۲۶۱-۱۳۴۵ش)، نماینده

^۷ "مختصری از شرح حال نویسندگان آئین دانشجویان، شماره ۱، ۳۲.

^۸ هیئت آمریکایی که به سرپرستی آقای جیمز باست (James Bassett) در ۱۸۷۱م/۱۲۵۰ق به تهران آمده بود، با احداث دبستانی نزدیک دروازه قزین در ۱۲۹۰ق نخستین دبیرستان البرز را بنیاد گذاشت. در ۱۳۰۳ش/۱۹۲۴م، ساختمان جدید دبیرستان در خیابان یوسف‌آباد ساخته شد و مدرسه از محل سابق در خیابان امیرکبیر، استالین/قوام‌السلطنه به این محل منتقل شد. در ۱۳۱۹ش و به دستور رضاشاه، کالج تهران آمریکایی‌ها خربداری شد و امور مدرسه به دست ایرانیان افتاد. مدیران ایرانی مدرسه عبارت بودند از آقایان وحید (۱۳۲۰)، پرتوی (۱۳۲۲)، ذوقی (۱۳۲۲) و دکتر صورتگر (۱۳۲۳ش). در ۱۳۲۳ش، محمدعلی مجتهدی ریاست این مدرسه را برعهده گرفت و آن را به نهاد آموزشی نمونه‌ای تبدیل کرد. بنگرید به سالنامه دبیرستان البرز، سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹. برای دانش سفر جیمز باست به ایران بنگرید به

James Bassett, *Persia: The land of the Imams: A Narrative of Travel and Residence, 1871-1885* (London: Blackie, 1887).

درباره دبیرستان البرز و معلمانش بنگرید به

Thomas M. Ricks, "Alborz College of Tehran, Dr. Samuel Martin Jordan and the American Faculty: Twentieth-Century Presbyterian Mission Education and Modernism in Iran," *Iranian Studies*, 44:5 (2011), 627-646; Homa Katouzian, "Alborz and its Teachers," *Iranian Studies*, 44:5 (2011), 743-754.

مجلس دوره چهاردهم؛ ابوالحسن ابتهاج (۱۲۷۸-۱۳۷۷ش)، رئیس بانک ملی؛ و نصرالله انتظام (۱۲۷۹-۱۳۵۹ش)، وزیر امور خارجه، در میان گذاشتند. در این مصاحبه‌ها، دکتر سنجابی طرح تاسیس دوره دکتری حقوق و تجدید نظر در درس‌های دوره لیسانس را شرح داد. دکتر وکیلی چگونگی "رفع نواقص و تکمیل آزمایشگاه دانشکده پزشکی" را بررسی و حمایت هیئت رئیسه دانشکده را از "اتحادیه دانشجویان پزشکی" ابلاغ کرد. دکتر مصدق در مصاحبه کوتاهی "توسعه و پیشرفت فرهنگ از حیث کمیت و کیفیت" و "تربیت اجتماعی" ناشی از آن را زمینه تشکیل احزاب مقید و خدمت‌گزار دانست. آقای ابتهاج سیاست پولی ایران در دوره جنگ جهانی دوم را توصیف کرد. آقای انتظام با متانتی خاص موضع رسمی ایران را برای شرکت در کنفرانس سانفرانسیسکو^{۱۰} در ۱۹۴۵م/۱۳۲۴ش شرح داد که به تشکیل سازمان ملل متحد انجامید و برداشت خود را درباره "جامعه ملل و انضمام سعه" صلاحیت دیوان داوری و دادگستری بین‌المللی برای حل اختلافات بین‌المللی را بیان کرد که نشان‌دهنده احترام مسئولان آن زمان به دانشجویان بود.

آئین دانشجویان در کنار این مصاحبه‌ها به نشر نوشته‌های استادان پرآوازه‌ای چون مهندس عبدالله ریاضی (۱۳۵۸-۱۳۸۰ش)، معاون و استاد دانشکده فنی؛ دکتر صادق رضازاده شفق (۱۲۷۱-۱۳۱۰ش)، استاد دانشکده ادبیات و نماینده مجلس؛ دکتر اسدالله آل‌بویه (۱۳۸۱-۱۳۸۱ش)، استاد دانشکده علوم؛ دکتر سیدعلی شایگان (۱۲۸۰-۱۳۶۰ش)، استاد دانشکده حقوق و مشاور قضایی وزارت دارایی؛ و دکتر احمد متین‌دشتی (۱۲۷۵-۱۳۵۰ش)، استاد دانشکده حقوق و نخست‌وزیر پیشین، پرداخت. مهندس ریاضی در مقاله‌ای که مشوق رحیم ایروانی برای تأسیس کارخانه برق فارس^{۱۱} درد، پس از یادای از چگونگی تأسیس کارخانه برق تهران به دست امین‌الاستاد و شرح

^{۱۰} هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو شامل این افراد بود: مصطفی عدل، نصرالله انتظام، جلال عبده، قاسم غنی، فضل‌الله نبیل، محمد گودرزی، احمد اردشیر، علی‌اکبر دفتری، حسین نواب، قاسم قاسمزاده، لطفعلی صورتگر، باقر کاظمی، صادق رضازاده شفق، اللهیار صالح، عبدالحسین اعتبار و علی‌اکبر سیاسی.

^{۱۱} "مصاحبه با آقای نصرالله انتظام وزیر امور خارجه و رئیس هیئت نمایندگان ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو"، آئین دانشجویان، شماره ۳ (فروردین ۱۳۲۴)، ۱۴-۱۹؛ نقل از ۱۵-۱۶.



برگرفته از سالنامه دانش‌داده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی،
سال تحصیلی ۱۳۲۳-۱۳۲۴، مجموعه دکتر فریدون مقتدری.

اهمیت "برق صحیح و منظم" برای مطالعۀ دانش‌جویان، "نواقص برق شهر تهران و طرق اصلاح آن" را برشمرد.^{۱۲} دکتر صادی با ارائه شفق طی شرحی از چگونگی "پیدایش دانشگاه" در اروپا، دانش‌پژوهی اسلامیان را مشوق مسیحیان شناخت:

از عوامل مؤثری که سبب شد روحانیان عیسوی به فکر توسعه علوم و برپا نمودن دانشگاه بيفتند، همانا اختلاط و نفوذ اسلامیان در بین ملل اروپا بود. . . دانشجویان مغرب‌زمین که درهای علم به رویشان بسته بود، جز آنچه در کتاب‌های معین و معلوم دینی عیسوی بود، در سر درس استادان اسلامی به تحصیلات علمی و فلسفی پرداختند و در نتیجه این نفوذ و تأثیر اسلامیان بود که روحانیان تجدد‌دوست عیسوی، به تأسیس دارالعلوم‌های مشابه مسلمانان همت گماشتند و از تألیفات اسلامی ترجمه

^{۱۲} عبدالله ریاضی، "نواقص برق تهران"، آئین دانشجویان، شماره ۲ (اسفند ۱۳۲۳)، ۱۰-۱۳.

کردند و برخی از آنها را، مانند فلسفه ابن رشد یا قانون ابوعلی سینا در قرن‌های ۱۳ و ۱۴ میلادی در دانشگاه‌های خود، مانند دانشگاه پاریس، تدریس و تعلیم کردند.^{۱۲}

رضازاده شفق که از سخن‌ورزان نامی قرن بیستم ایران بود، در پایان این مقاله غیرت‌انگیز نتیجه گرفت که "در عصر ما چرخ جهان دوباره از آن ور می‌چرخد و کارها وارونه است و ما باید علوم مغرب‌زمین را در دانشگاه‌های خود تدریس کنیم؛ چنین است رسم سرای درشت / گهی پشت بر زین و گه زین به پشت." ^{۱۳} دکتر سیدعلی شایگان نیز در مقاله‌ای آموزنده پیوند ملیت، تابعیت و حاکمیت را در "قرارداد اجتماعی" شرح داده و نتیجه گرفت که "اختیار مردم دست خود مردم است و بنابرین دولت امری فوق بشر نیست که قدرت خود را از قوانین عالیه عالم وجود بگیرد. بلکه مخاطب مردم است که به میل خود آنها به وجود می‌آید و با اراده آنها از میان می‌آید." ^{۱۴} دکتر آل‌بویه نیز در حین شکوه از کسانی که "قلم در دست آنها چون تیغ در گزند رنگی نیست" باشد، توجه نویسندگان جوانی چون ابروایی و اردوبادی را به مسایل علمی و حتمی نشان‌دهنده "افق‌های جالب و دلپسندی" دانست که "امکان طلوع عصر تازه و روزگار بهتری را به ملت پیر و ستمدیده ایران نوید دهند." ^{۱۵} دکتر آل‌بویه پس از ذکر این نکات، صحت مطالب و توجه دقیق به "ارزش مفاهیمی که اساس استدلال بر آنها متوار است"، به سردبیران آئین دانشجویان متذکر شد: "مع‌التأسف در مقالات عامه مجله دانشجویان اصولی که در بالا مذکور افتاد درست رعایت نشده بود. امید است که در آینده هم در صحت مطالب و هم در انتخاب آنها دقت بیشتری می‌ذول دارند." ^{۱۶}

دکتر احمد متین‌دفتری نیز برای راهنمایی دانشجویان در "اندرزهای برادرانه به عموم دانشجویان، خصوصاً دادرسان و استادان آینده"، به ریشه یابی جنگ جهانی اول بازنگریست که "در زندگانی اجتماعی تازه‌نفس" و در "ایران مانند

^{۱۲} صادق رضازاده شفق، "پیدایش دانشگاه"، آئین دانشجویان، شماره ۴، ۱۹.

^{۱۳} رضازاده شفق، "پیدایش دانشگاه"، ۱۹.

^{۱۴} سیدعلی شایگان، "ملیت"، آئین دانشجویان، شماره ۴، ۱-۵؛ نقل از ۴.

^{۱۵} اسدالله آل‌بویه، "نویسندگان جوان و مباحث علمی"، آئین دانشجویان، شماره ۴، ۳-۵؛

نقل قول‌ها به ترتیب از ۳، ۳، ۳ و ۵.

امروز بازار احزاب و مطبوعات رونقی داشت: "خاطره‌ای که از آن دوره برای ما باقی مانده، این است که ما در زندگی اجتماعی نارس هستیم و هنوز از دبستان آن هم فارغ نشده‌ایم. فراموش نمی‌توانم بکنم که در آن دوره دموکراسی بازیگران ما به قدری نفاق کردند و تند رفتند و بچگی نشان دادند، خلاصه ریشه آزادی را چنان سست کردند که تندباد حوادث ناگهان آن را ریشه کن نمود." دکتر متین‌دفتری که "همان بساط دیرینه" را طی جنگ جهانی دوم بر پا یافته، باور داشت که در جامعه "یک من" ایران که "هیچ کس حاضر نیست کاری را یک من داشته باشد... سر مفاسد اجتماعات ملی و حتی هیئت‌ها یا مجالس رسمی ما همین است. در اجتماع اگر افراد گذشت نداشته باشند و... از اصولکاک پرهیزند، هرگز نمی‌توانند نزدیک بشوند و جامع مشترک پیدا نمی‌کنند. روزی در جامعه روزبه‌روز تباه‌تر می‌شود."^{۱۷} دکتر متین‌دفتری که از شخصیت‌های برجسته آن زمان بود، در پایان آئین دانشجویان را از مؤثرترین وسایل فراگرفتن "راه و روش زندگی اجتماعی" دانست و پس از راهنمایی‌هایی چند درباره تهیه مطالب نشریه، به دانشجویان آن یادآور شد:

دانشگاه ما بیش از سه هزار جوان طالب علم دارد. اگر هر کدام در بیست و چهار ساعت یک سطر بنگرند، محصول آن روزی صدوپنجاه صفحه بیست سطری می‌شود! به این ترتیب محله‌ای که بیش از هر نشریه در ایران نویسنده متخصص در پشت خود دارد، نمی‌تواند آن را خواهد ربود و به فرهنگ کشور که یگانه راه نجات ماست، خدمت کند. "را خواهد کرد."^{۱۸}

دکتر متین‌دفتری در پی انتشار این مقاله در آئین دانشجویان، به نخستین نوشته او پس از برکناری‌اش از نخست‌وزیری (۱۳ آبان ۱۳۱۸ تا ۱۳۱۹) اشاره کرد. به درج "خاطراتی چند از دوره زمامداری" خود در "سال اول جنگ" پرداخت. ایشان در این نوشته "مداخله مستقیم دولت اتاتیسم [etatism]" را با خصوصیات ایران ناسازگار دانست: "به نظر من بالاتر از ضررهای مادی که از مداخله مستقیم دولت متوجه خزانه عمومی و طبقه سوم این کشور شده، فساد

^{۱۷} احمد متین‌دفتری، "اندرزهای برادرانه به عموم دانشجویان خصوصاً دادرسان و استادان آینده"، آئین دانشجویان، شماره ۲، ۱-۷؛ نقل به ترتیب از ۲ و ۵.

^{۱۸} متین‌دفتری، "اندرزهای برادرانه"، ۵ و ۶.

اخلاقی است که از برکت این رژیم اقتصادی در محافل سیاسی ما رسوخ یافته و آینده بسیار تاریکی برای جامعه ما نشان می‌دهد.^{۱۹}

ب. آزادمنشی

آئین دانشجویان نشریه‌ای "یک من" نبود: "در عین حال که این نامه به هیچ فرقه سیاسی بستگی ندارد، درج عقاید مختلف و مغایر را هدف خود قرار داده‌ایم و از انتشار آراء متضاد روگردان نخواهیم بود. این نامه را آئینه افکار دانشجویان ساخته‌ایم تا هرکس فکر و اندیشه خود را در آن منعکس سازد."^{۲۰}

رحلان احزاب و سازمان‌های سیاسی دهه ۱۳۲۰ که در شعار حامی آزادی و دموکراسی بودند، ولی فقط به نشر افکار خودی می‌پرداختند، نگاهی به مطالب و طرح‌های آئین دانشجویان نشان‌دهنده آزادمنشی و پایبندی ابروانی و اردوبادی به نفوذ و آمیزش افکار در حریم دانشگاه است. در کنار مقاله ابروانی درباره "سنن در پارلمان انگلیس"^{۲۱} و نوشته اردوبادی درباره "آدم اسمیت"^{۲۲} در شماره نخست، لطف‌الله مجاب در "آتانیسم در فرانسه" از دیدگاهی دیالکتیکی به بررسی نرابطی پرداخت که "دخالت دولت در امور اقتصادی" را اجتناب‌ناپذیر می‌داند. مجاب در این نوشته طبقه حاکمه فرانسه را طبقه‌ای انقلابی بازشناخت و پنداشت که این طبقه "از اتخاذ تصمیمات انقلابی" باز نمی‌ایستد و "بنابراین باید منتظر بود که در آتیه بسیار نزدیکی تحولات اجتماعی بزرگی در کشور فرانسه به ظهور رسد و این اجتماع به سوی افق‌های روشن‌تری رهسپار گردد."^{۲۳} در شماره مکتبه مهدی مسیح درباره "شیمیوتراپی"^{۲۴} در شماره دوم (اسفند ۱۳۲۳)، مجاب بدین تمدن (۱۳۰۴-۱۳۹۱ش) هم که "عقاید سوسیالیستی" داشت به شرح "سورن اتم و مفهوم فلسفی ماده" پرداخت. دکتر فریدون کشاورز (۱۲۸۶-۱۳۸۵ش)، عضو حزب

^{۱۹} احمد متین‌دفتری، دخالت مستقیم دولت در اقتصاد کشور: خاطراتی چند از دوره زمامداری نویسنده در سال اول جنگ (تهران: بی‌نا، ۱۳۲۴)، ۴۳.

^{۲۰} "هدف ما"، ۱-۲؛ نقل از ۱.

^{۲۱} رحیم متقی ابروانی، "سنن در پارلمان انگلیس"، آئین دانشجویان، شماره ۱، ۳-۴.

^{۲۲} عباس اردوبادی، "آدم اسمیت"، آئین دانشجویان، شماره ۱، ۸-۱۵.

^{۲۳} لطف‌الله مجاب، "آتانیسم در فرانسه"، آئین دانشجویان، شماره ۱، ۲۸-۳۱.

^{۲۴} مهدی مسیح، "شیمیوتراپی"، آئین دانشجویان، شماره ۲، ۶-۷.

توده ایران و نماینده مجلس از بندر انزلی در دوره چهاردهم (۱۳۲۲-۱۳۲۶ ش)، در مصاحبه‌ای درباره سیاست خارجی و هدف‌ها و عملیات آن حزب سخن گفت. در جوار مقاله منوچهر مؤید درباره "کوفت و سفلیس" و نوشته محمود حجتی درباره "خانه‌های فلزی" در شماره سوم (فروردین ۱۳۲۴)، هوشنگ منتصری (۱۳۰۲-۱۳۹۴ ش)، به بررسی "ماتریالیسم دیالکتیک و علوم جدید" پرداخت؛ "من در این مقاله می‌خواهم هماهنگی و پیوستگی فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک را با علوم جدید مطالعه نمایم." منتصری که "جوانی متین و مرتب" و "ارای اخلاق و عقاید مارکسیستی" معرفی شده بود، در پایان این نوشته نتیجه گرفت که "دنیا انتظار تحول سریعی را دارد که علم را از چنگال سرمایه نجات دهد و بشر را بر طبیعت چیره سازد تا از آن پس مبارزه داخلی اجتماع به مبارزه دائمی بشر با طبیعت تبدیل گردد."^{۲۵} یوسف رحمتی، دانشجوی سال سوم حقوق سیاسی در مقاله‌ای که متأثر از آئین کسروی بود،^{۲۶} از مستشرق تعریفی را ارائه داد که در دهه ۱۳۳۰ کارآیی سیاسی خاصی یافته بود:

مستشرق کسی است که با بررسی تاریخ و مذهب و ادبیات و دیگر آثار یک ملت 'شرقی' به روانشناسی او پرداخته و از این راه به سیاستمداران در خام کردن آن ملت کمک می‌نماید. کمال ساهدلی و بلاهت است که عمل مستشرق فقط به تفتن و علاقه به ادبیات و تاریخ و میره حمل و تعبیر شود.^{۲۷}

در کنار مقاله اردوبادی درباره "زوم طرح نقشه اقتصادی" داستان کوتاه "گنج" که از نخستین نوشته‌های جلال آل احمد (۱۳۰۲-۱۳۸۰ ش) است،^{۲۸} یوسف رحمتی نیز در "ماتریالیسم، پایه سوسیالیسم" به بررسی پیدایش روح و دین و نیز روح، اصول و نتایج سوسیالیسم و فلسفه زندگی و سوسیالیسم پرداخت. رحمتی، همچون مجاب و منتصری، ایمان داشت که "در اثر پیدایش ماشینیسیم و ترقی صنعت" تعداد رنجبران افزایش یافته و "این دسته ناگزیر به هم نزدیک می‌شوند و

^{۲۵} هوشنگ منتصری، "ماتریالیسم دیالکتیک و علوم جدید"، آئین دانشجویان، شماره ۳، ۱۱-۱۳؛ نقل به ترتب از ۱۱ و ۱۳. هوشنگ منتصری خواهرزاده رضا رادمنش، از اعضای برجسته حزب توده ایران، بود.

^{۲۶} احمد کسروی، آئین (تهران: بی‌نا، ۱۳۱۲).

^{۲۷} یوسف رحمتی، "سیاست و مستشرق"، آئین دانشجویان، شماره ۴، ۲۷-۲۸؛ نقل از ۲۸.

^{۲۸} جلال آل احمد، "گنج"، آئین دانشجویان، شماره ۴، ۳۰-۳۴.



مرتضی رسا و محمدرحیم متقی ایروانی. تهران، ۱۳۲۲. آلبوم خانوادگی
 رحیم ایروانی. رسا از جمله همکاران رسمی آئین دانشجویان بود. به عبارت
 آئین دانشجویان، "مرتضی رسا در سال ۱۳۰۱ شمسی در شهر استخر تولد
 گردید. تحصیلات ابتدایی و سال اول متوسطه را در آن شهر در دبستان خرابی
 و دبیرستان شاهپور گذراند. پس از آن تا سال ششم در دبیرستان بردوسی
 تبریز مشغول تحصیل بوده، سال ششم علمی (ریاضی) را در خرداد ۱۳۲۱ در
 مشهد دبیرستان شاهرضا به پایان رسانید. پس از آن در شعبه مهندسی شیمی
 هنرسرای عالی مشغول تحصیل شد. اینک مهندس شیمی از دانشگاه مزبور است."

تودهٔ متشکلی را تشکیل می‌دهند و جبههٔ واحدی را در مقابل آن طبقهٔ زورگوی مفت‌خور ایجاد می‌کنند و برای احقاق حق به مبارزه می‌پردازند. علل این تغییرات و تحولات مادی است... و جبراً دنیا را به سوی سوسیالیسم می‌کشاند.^{۲۹}

ج. قدرشناسی

ایروانی و اردوبادی هم‌زمان با خرده‌گیری قدرشناس بودند و در هر شمارهٔ آئین دانشجویان به معرفی یکی از "خادمین فرهنگ" پرداختند. اردوبادی که دانش‌آموز دبیرستان البرز بود، در شمارهٔ نخست به معرفی دکتر ساموئل جردن پرداخت که رئیس کالج امریکایی تهران بود. به روایت اردوبادی، "هدف دکتر جردن و همکاران ایشان همواره این بود که پرورش جسمی و عقلی جوانان این کشور را به هم توأم باشد... تکیهٔ کلام و شعار دکتر جردن همواره این عبارت بود: هر یک معمار بخت خویش است." اردوبادی که در آن زمان دانشجوی فلسفه و اقتصاد دانشکدهٔ حقوق بود، با الهام از دکتر جردن در پایان این قدرشناسی نوشت: "خدا کند ما جوانان معماران خوبی باشیم تا طرح آتیهٔ کشورمان که به دست گروه جوان کشیده می‌شود درخشان و پابرجا باشد."^{۳۰}

جبار باغچه‌بان که در ۱۳۰۳ش کودکستان باغچهٔ اطفال تبریز را بنیاد گذاشته بود، در شمارهٔ دوم آئین دانشجویان معرفی شد. باغچه‌بان پس از چند سال خدمت در آن کودکستان در ۱۳۰۷ش با تشویق ابوالحسن میوضات (۱۲۶۶-۱۳۴۹ش) به شیراز رفت و کودکستانی در آن شهر بنا نهاد که رحیم ایروانی از نخستین دانش‌آموزانش بود. باغچه‌بان در ۱۳۱۲ش شیراز را ترک کرد، به

^{۲۹} یوسف رحمتی، "ماتریالیسم، پایهٔ سوسیالیسم"، آئین دانشجویان، شمارهٔ ۴، ۲۰-۲۵. یوسف رحمتی هم‌دورهٔ رحیم ایروانی بود و هم‌زمان با او از دانشکدهٔ حقوق فارغ‌التحصیل شد. او در ۱۳۲۴ش پروانهٔ وکالت دادگستری گرفت و پس از فارغ‌التحصیلی مدتی در خبرگزاری پارس مشغول به کار شد. مدتی عضو هیئت تحریریهٔ کیهان بود و سپس به روزنامهٔ اطلاعات رفت. رحمتی در زندگینامهٔ کوتاهی نوشت: "تشویق رحیم متقی ایروانی و کمک ایشان برای خرید اولین ماشین چاپ به من جرئت داد که به یک ابتکار جدید یعنی تأسیس اولین روزنامهٔ یومیة اقتصادی در ایران به نام بورس دست بزنم." متن این زندگینامه را خانم زهت خسروشاهی در اختیارم گذارد. از یاری ایشان سپاس گزارم.

^{۳۰} عباس اردوبادی، "خادمین فرهنگ ۱: دکتر جردن"، آئین دانشجویان، شمارهٔ ۱، ۲۱-۲۲.

تهران آمد و مدرسه کرها و لال‌ها را بنیاد گذارد.^{۲۱} آئین دانشجویان در شرح روش آموزشی باغچه‌بان، که مورد توجه خاص ابروانی بود، نوشت: "به شاگردان نباید از راه گوش درس داد. نوآموز باید از راه چشم ببیند و از راه گوش بشنود تا بتواند درس را به خوبی فراگرفته، فراموش نکند."^{۲۲}

هاجر تربیت، رئیس دبیرستان نوربخش تهران، از دیگر "خدمت‌گزاران حقیقی فرهنگ ایران" بود که در بخش "خادمین فرهنگ" آئین دانشجویان معرفی شد. او که در ۱۳۰۱ش دبستان دوشیزگان تبریز را بنیاد گذاشته بود، در ۱۳۱۱ش همراه محمدعلی تربیت (۱۲۵۵-۱۳۱۸ش)، همسرش، که به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شده بود، به تهران آمد. به قول آئین دانشجویان،

خیم تربیت کسی نبود که دست از خدمات فرهنگی بردارد. تبریز و تهران، مشیر و کرمان همه جزو ایران‌اند و خانم تربیت هم ایرانی است و برای او تمایزی و برتری و کرمانی و شیرازی تفاوتی نداشتند. غرض غایی او خدمت فرهنگی بود و از این رو در تهران هم شروع به خدمت فرهنگی نمود... خانم تربیت کمک‌های شایانی به برداشتن چادر زنان ایران نموده و مؤسس و بنیان‌گذار بانوان ایران می‌باشد و در سال ۱۳۲۰ جزو هیئت مدیره بنگاه حمایت مادران انتخاب گردید... علاوه بر مقالات متعدد و سخنرانی‌های زیادی که در عمر فرهنگی خود نموده‌اند، کتاب بسیار جالبی تحت عنوان زن در قرن بیستم تألیف کرده‌اند.^{۲۳}

آئین دانشجویان در شرح دیدگاه آموزشی تربیت، افزود که ایشان "معتقد است که باید انقلابی عظیم در عالم فرهنگ ایجاد شود تا جوانان برای این دوره تربیت شوند." خانم تربیت پرورش فکری و آموزش اخلاقی را از بایسته‌های تربیت دانست: در آموزش و پرورش باید اخلاق را با پرورش فکری توأم کنند و الا نمی‌توان تصور کرد پرورشی که با اخلاق توأم نباشد و تنها آموزگار و دبیران ما جانب

^{۲۱} برای شرح مختصری از این مدرسه و عکس باغچه‌بان همراه با ۵ تن از دانش‌آموزانش بنگرید به ایران باستان (۲۳ آذر ۱۳۱۳ش/۱۳ دسامبر ۱۳۳۴)، ۱۴.

^{۲۲} "خادمین فرهنگ ۲: باغچه‌بان"، آئین دانشجویان، شماره ۲، ۲۴-۲۵.

^{۲۳} "خادمین فرهنگ ۳: خانم تربیت"، آئین دانشجویان، شماره ۳، ۲۱-۲۳.

درس را گرفته و اخلاق و ورزش را فراموش کنند، برای ما سودمند باشد.^{۲۳}

آخرین شماره آئین دانشجویان به معرفی جلال‌الدین همائی (۱۲۷۸-۱۳۵۹ش) پرداخت که از ۱۳۱۴ش به تدریس در دانشکده حقوق مشغول بود. آئین دانشجویان خدمت همائی را، که تحصیلات حوزوی داشت، در دانشگاه تهران چنین شرح داد:

ورود او به دانشکده حقوق در همان سال بود که یک کلاس بر دانشکده حقوق افزودند و دوره دانشکده را ۴ سال کردند. در بدو ورود به دانشکده، در کلاس اول ادبیات فارسی تدریس می‌کرد و از شعب درس او، نمونه اسناد تاریخی قضایی ایران بود از قدیمی‌ترین ازمینه تاکنون، با شرح تحولاتی که در طرز تنظیم اسناد قضایی و رسمی در دوره‌های مختلف راه یافته است. آن ریخ که دانشکده به صورت پیش، یعنی دوره سه‌ساله برگشت، تدریس همه سال اول و سال سوم قضایی را عهده‌دار گردید و سپس تدریس او به سال سوم قضایی اختصاص یافت و اکنون چند سال است که به تدریس فقه در سال سوم قضایی دانشکده حقوق و نیز تدریس ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات از شعب دانشگاه طهران افتخار دارد.^{۲۵}

آئین دانشجویان، همائی را "دانشمند فاضل" و "اراسته‌دان فاضل و گرمی دانشکده حقوق و دانشگاه تهران" قلمداد کرد و در توصیف ایشان افزود: "همائی با اینکه علوم قدیمه را در دانشکده حقوق تدریس می‌کند، روح عمده یک روح تجدد خواهی و modernity دارد که دانشجو را نمی‌گذارد از تعلیم غامض و مشکل فقه خسته شود." از آن جهت که همائی در آن زمان دارای "رتبه استادی" نبود و "تبرعا و مجانا" تدریس می‌کرد، آئین دانشجویان گزارش داد: "قاصبه دانشجویان دانشگاه تهران جدا خواستارند که در این خصوص دانشگاه اقدام جدی بنماید."^{۲۶}

^{۲۳} خادمین فرهنگ ۳، ۲۳.

^{۲۵} خادمین فرهنگ ۴: جلال‌الدین همائی، استاد فقه و ادبیات دانشگاه، "آئین دانشجویان،

شماره ۴، ۵-۶.

^{۲۶} خادمین فرهنگ ۴، ۶-۷.